

فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان

سال چهارم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۷

زنان در جنگ*

نویسنده: دیانا سانبرو**

ترجمه: امیر میرزاعطاری

چکیده

زمانی که جنگ شکل واقعی به خود گرفت و از یک تصور ساده و خیال واهی دربارهٔ دلاورمردی‌های افتخارآمیز در جهت یک نهضت مقدس فراتر رفت و گویای واقعی تلخ در مورد سربازانی شد که در شرایط سخت و مبهوت‌کننده مجروح یا کشته می‌شدند، دیگر اثری از زنان نبود، بعد از آن بود که نوع متفاوتی از زنان حضور خود را اعلام کرده و شمار نامعلومی از آنها پس از گذراندن دوره‌های آموزش نظامی رسمی در گردان‌های پشتیبانی، خدماتی و رزمی وارد میدان جنگ شدند.

تعداد زنانی که در جنگ خدمت کرده‌اند، خیلی بیشتر و نقششان مهم‌تر از آن است که تا به حال در کتاب‌های تاریخی آمده است. اطلاعات به دست آمده از لابه‌لای یادداشت‌های روزانه، خاطرات، نامه‌های خانوادگی و مطالب موجود در اینترنت نیز بیانگر همین واقعیت است.

این مقاله تلاش نموده است بخشی از تاریخچه حضور زنان را در عرصه‌های پشتیبانی و خدمات رزم در جنگ‌های داخلی آمریکا و طی جنگ جهانی اول و دوم و برخورد زنان در کنترل استرس‌ها و نقش آنها در جنگ‌های اخیر را به تحلیل درآورد.

کلید واژگان:

زنان، جنگ، استراتژی، پرستاری، پشتیبانی

* Women in the war

<http://seattlep-i.nwsourc.com/awards/witnesstowar/witness1.html>. WWW I left its enduring mark. <http://seattlep-i.nwsourc.com/awards/witnesstowar/guide.html>.

** Diane Swanbrow

مقدمه

از زمان خلق بشریت، زنان هرگز نتوانسته‌اند عاملی برای برپایی یا توقف جنگ باشند. حتی تا چند وقت پیش هم کسی باور نمی‌کرد که زنان شاغل در زمینه‌های مختلف نظامی شانس رفتن به مناطق نبرد را داشته باشند. وقتی شما تصویری از جنگ در ذهن دارید، چه برداشتی پیش خود می‌کنید؟ اگر شما با خیلی‌ها هم عقیده باشید، منطقی نبردی را می‌بینید پُر از مرد که در دوردست‌ها یا پشت جبهه تعدادی هم زن وجود دارد.

در دهه‌های گذشته، زنان و مردان مسئولیت‌های متفاوتی داشته‌اند. سرپرستی از خانواده و تهیه آذوقه و وظیفهٔ مردها بود در حالی که زنان مسئول وظایف داخل خانه بودند. برای مدتی این مثل قدیمی درست بود. اما در شروع جنگ جهانی اول، نیاز به نیروی انسانی؛ بیشتر شد و به زنان اجازه ورود به نیروهای نظامی و فعالیت در برخی زمینه‌ها داده شد. در مدت آماده شدن آمریکا برای مداخله در جنگ جهانی اول، نیروهای نظامی در حال بررسی بحران کمبود نیرو بودند. در سال ۱۹۱۷، فرماندهٔ نیروی دریایی جوزف دنیلز متوجه شکافی در قوانین جذب نیروی دریایی شد. ایشان سؤالی مطرح کردند «آیا قانونی هست که مشخص کند یک کارمند اداری نیروی دریایی باید مرد باشد؟»

تا آن زمان هیچ موردی نبود که نیروی دریایی، زنان را در زمینه‌هایی با عنوان اداری، مخابرات رادیویی، شیمی‌دان، حسابدار، اپراتور تلفن و پرستار به کار گیرد. این حرکت باعث شد که خود ارتش نگاهی جدید به وضعیت استخدام (پرسنل) داشته باشد. از زمانی که ارتش شروع به جذب زنان کرد و با به کارگیری زنان به عنوان پرستار و تعداد معدودی درمانگر یا مشاور درمانی روش محافظه‌کارانه‌ای در پیش گرفتند، زنان در موقعیت نظامی در جنگ، نقش مهمی پیدا کردند. همچنین به دلیل

وجود زنان در جنگ جهانی اول نتایج حاصل شد. این برای اولین بار بود که هم نیروی پرستار و هم نیروی دریایی و هم کل ارتش این قدر فعال شده بود. تمام سربازها از لحاظ فیزیک بدن مورد آزمایش قرار گرفتند. بنابراین قبل از اینکه شخصی اعزام می‌شد، می‌بایست از لحاظ آمادگی، مناسب شناخته می‌شد. به همین دلیل هم، زنان دیگر نمی‌توانستند مانند جنگ‌های گذشته خود را به جای سرباز مرد جا بزنند. همچنین این اولین باری بود که زنان در نیروی دریایی، زیر دریایی و نیروی پزشکی ارتش مشغول به کار می‌شدند.

کهنه سربازی به نام "لورا فراست اسمیت"

لورا پرستاری در جنگ جهانی اول که مسن‌ترین زن سرباز شناخته شده در آمریکا است. جنگ جهانی اول اولین جنگی بوده است که زنان به طور رسمی اجازه فعالیت در نیروهای نظامی را پیدا کردند. خانم اسمیت، توانست زنده بماند و داستان تجربه خود را از طریق نامه‌هایی که در طول جنگ نوشته بود نقل کند، یا در کتاب خانوادگی خود که در سن ۹۰ تا ۱۰۰ سالگی‌اش نوشته بود، ذکر کند. بسیاری از این داستان‌ها حاکی از مواردی بسیار وحشتناک است.

در این کتاب آمده است: سربازی می‌پرسد «به نظر شما من آدم زشتی هستم؟» نصف صورت این سرباز از بین رفته است. لورا فروست با عجله نیمه باقی‌مانده را مورد درمان قرار می‌دهد. هنوز تعدادی سرباز مرد ناله کنان بر روی تخت در زیر باران منتظر هستند و در حالی که دست‌های او به دلیل سرما به لرزه افتاده، چکمه‌های چرمی نازکش با گل آغشته شده، خون همه جای لباس پرستاریش را پوشانده است، او سعی می‌کند مانع از شنیده شدن صدای افتادن دست و پای بریده افراد صدمه‌دیده و مجروح به داخل سطل شود.

برخی وقت‌ها مردهای بسیار صدمه دیده باعث گریه او می‌شدند.

با وجود اینکه ۸۰ سال از این قضیه می‌گذرد او هنوز خیلی حساس است و هنگام تعریف کردن خاطراتش گریه می‌کند. این خانم تنها یکی از ۲۵/۰۰۰ نفر زنی است که در طول جنگ جهانی اول در خارج از زادگاه خود خدمت کرده است. ۱۵/۰۰۰ نفر دیگر هم به عنوان غیرنظامی و داوطلبانه خدمت کردند. بسیاری از این افراد پرستارانی بودند که در انگلستان، فرانسه، کرواسی، روسیه و حتی سازمان‌های آلمانی خدمت کردند.

۱۳/۰۰۰ نفر دیگر هم به نیروی دریایی ملحق شدند که ۳۰۰ نفر از میان آنها عضو نیروی زیردریایی شدند.

نقش زنان در پشتیبانی از جنگ

تعداد زیادی از زنان در کشور خود ماندند اما به طریقی از جنگ مانند دیگران مشتاقانه پشتیبانی کردند. تعداد زیادی از زنان در کارهای اداری خدمت می‌کردند، برخی‌ها هم در زمینه‌های دیگر فعالیت داشتند. بسیاری از این زنان کمک‌های ارزنده و مهمی در طول جنگ کردند، همچون خدمات‌رسانی در سازمان‌هایی مانند "سازمان کودکان ساکن در Frontier" (منطقه‌ای در آمریکای غربی که تا قبل از قرن بیستم کسی در آنجا زندگی نمی‌کرده است). وظایف آنها جمع‌آوری کمک‌های مالی و پوشاک و ارسال آنها از طریق کشتی به فرانسه به منظور کمک به کودکان آواره جنگ بود. سازمان کمک‌رسانی در آمریکا فرآورده‌های بیمارستانی را تهیه و توزیع می‌کرد و به عنوان سرویس آمبولانس آمریکایی در فرانسه نیز خدمات‌رسانی می‌کرد. متأسفانه از میان آن افرادی که در منطقه نبرد خدمت کردند، تعداد بی‌شماری به دلیل بمباران و بیماری کشته شدند. اگرچه زنان همپای مردان بودند اما بسیاری از آنها قربانی تبعیض شدند. پرستاران شاغل در نیروهای نظامی نیز در نیروهای شبه‌نظامی دارای وضعیت

مشابه بودند. از آنجا که آنها زن بودند، نیروی مربوط، به آنها درجه یا پاداشی که سزاوار پست شغلی آنها باشد، نمی‌داد. البته این قضیه در مورد هم‌زمان خود در نیروهای نظامی بریتانیا صحت نداشته و آنها هم پاداش می‌گرفتند و هم به درجات بالا نائل می‌شدند. متأسفانه تبعیض در آن زمان بیداد می‌کرد در حالی که بیش از ۲۰۰/۰۰۰ نفر مرد آفریقایی - آمریکایی در جنگ جهانی اول حضور داشتند تنها یک‌ششم از زنان اجازه حضور در جنگ را پیدا کردند و آن هم به این دلیل بود که از حضور زنان در سازمان‌های داوطلب به غیر از YMCA جلوگیری به عمل می‌آمد. زنان A-A نیز هرگز اجازه حضور در نیروی پرستاری را تا بعد از جنگ نداشتند. تقریباً حدود ۲۵ سال بعد از پایان جنگ جهانی اول، هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۱ زنان هم از نظر تعداد و هم از نظر وضعیت شغلی افزایش پیدا کرده بودند آنها همچنین در نیروهای نظامی و در خانه نقش مهمتری به عهده گرفتند.

نقش زنان در پشتیبانی از وضعیت نظامی

یکی از راه‌های مفید بودن برای ماندن در کشور، در طول جنگ، فعالیت در کارخانه‌های سازنده هواپیما و کشتی‌سازی بود. در طول جنگ تعداد مردان موجود در کشور بسیار کم بود و خیلی از زنان احساس کردند با کار در کارخانه‌ها و ثابت نگه‌داشتن خطوط تولید می‌توانند سهمی در جنگ داشته باشند. همچنین به این زنان فرصت پرواز با هواپیما داده شد. این گروه از زنان که به WAFS معروف بودند در واقع اولین گروه زنان خلبان به شمار می‌رفتند و نیروی نظامی متشکل از قسمت هوایی و دریایی که در آن زمان تنها یک ایده بود از طرف یک زن به اسم نسی هاکنس لاو تأسیس شد. خیلی زود اسم این نیرو به WHSP (خدمات هوایی نیروی هوایی زنان) نامیده شد. مسئولیت این زنان تحویل هواپیما به پایگاه‌های داخلی یا بین

پایگاه و منطقه نبرد بود. همچنین این زنان همانند هزار تن از زنان که در سازمان‌های مستقر در منطقه نبرد در طول جنگ جهانی اول مشغول فعالیت بودند، خدمت کردند. بسیاری از این سازمان‌ها مانند YWCA, YMCA, صلیب سرخ آمریکا، Savation Army (سازمان مسیحی که به مردم مستمند کمک می‌کند) همراه سربازان به اروپا می‌رفتند تا در جنگ کمک کنند. بر اساس اطلاعات سازمان خدمات‌رسانی جهانی (سازمانی است که در سال ۱۹۲۱ برای کمک به زنان شاغل در جنگ تأسیس شده بود)، تقریباً ۹۰/۰۰۰ زن توانستند برای جنگ به کشورهای دیگر بروند. از این میزان، ۳۳/۰۰۰ عضو سرباز نیروی زمینی، دریایی و زیردریایی بودند. زنان و نیروی دریایی!!؟ این جمله حتماً یک شوخی است. این حرف اولین عکس‌العمل مردان سرباز در نیروی زیردریایی بود که تازه از اردوگاه زندانیان در فیلادلفیا در سال ۱۹۴۵ (جنگ جهانی دوم) مرخص شده بودند. دلیل این عکس‌العمل آن بود که در آغاز جنگ جهانی دوم خیلی‌ها از حضور زنان در نیروی زیردریایی بی‌اطلاع بودند. اما در تاریخ ۳۰ جولای ۱۹۴۲، نیروی ذخیره دریایی زنان تأسیس شد که بخشی از نیروی ذخیره دریایی محسوب می‌شد. مأموریت آنها و تربیت و پیدا کردن زنان شایسته به منظور انجام دادن وظایف مردان در تمام پایگاه‌های تأسیساتی آمریکا برای آزادسازی مردان از وظیفه و کار اعزام آنها به منطقه جنگ بود. همچنین در فوریه ۱۹۴۳ پروزی‌هایی به دست آمد و نیروهای آمریکایی از شر دشمنان در کانال گوادل رهایی پیدا کردند.

این جنگ تلخی بود و معلوم شد که اگر ادامه پیدا می‌کرد به نیروی‌های دریایی بیشتری برای جنگ در اقیانوس آرام نیاز می‌شد. آنها خیلی زود متوجه شدند که حس غرور در زنان به اندازه حس غرور در مردان است. همانگونه که آنها اعتقاد داشتند از زمانی که عضو نیروی دریایی شدند از نظر ذهنی نیز عضو نیروی دریایی باقی می‌ماندند. بعد از این قضیه و خیلی زود زنان افسر بر اساس توانایی و مهارت‌شان از پاداش

بهره‌مند شدند. این زنان بدون گذراندن هیچ دوره آموزشی و عقیدتی وارد مرحله عمل شدند. بیش از ۲۰۰ نوع شغل مختلف برای این زنان وجود داشت که آنها در هر قسمت مشغول به کار شدند. بسیاری از این مشاغل شامل اپراتور رادیویی، چترباز، راننده، مربی تیراندازی هوایی، اپراتور برج کنترل، مکانیک، کارشناس کشاورزی بود. در سال‌های پایان جنگ جهانی دوم، ۸۵٪ پرسنل لیست شده در ستاد مشترک نیروی دریایی، زن بودند. تأثیر این زنان بر نیروی دریایی آنقدر بود که مجسمه‌ای به نام Molly Mowine ساخته شد و به احترام تمامی زنهایی که عضو نیروی دریایی بودند به شهر New Orleans در لوئیزیانا اهدا شد.

نقش زنان به عنوان پرستار در جنگ

زنان همچنین در زمینه‌های پزشکی مانند پرستاری نیز در طول جنگ جهانی اول خدمت کردند. پرستاران بخش اعظمی از کمک به کشف فناوری پزشکی را که امروزه دلیل آن را تنها جنگ می‌دانند، تشکیل می‌دهند. قسمت‌های زیادی از (بخش) بیمارستان‌ها در آمریکا خالی از پرستاران باتجربه شده بود و بیشتر دانشجویان پرستاری آنجا را هدایت می‌کردند. پرستاران به دلیل کمبود نیرو از روش‌هایی که مورد استعمال بود دیگر استفاده نمی‌کردند. قبل از جنگ پرستاران حتی به مادران زانو اجازه نمی‌دادند که فرزندانشان را خود تغذیه یا حمام کنند. اما وقتی که جنگ شروع شد، پرستاران از مادران کم‌درآمد خواستند که دیگر خودشان از کودکانشان مراقبت کنند و آنها نیز به مراقبت از بیماران خصوصی می‌پرداختند. طولی نکشید که آنها متوجه اختلاف بین بیماران بخش و قسمت خصوصی شدند، افراد بستری شده در بخش شادتر و کودکانشان سالم‌تر بودند. این اعمال بی‌سابقه در سراسر کشور گسترش یافت. کمک‌های زیادی از جانب پرستاران در طول جنگ جهانی دوم شده است که اغلب نادیده گرفته می‌شود در حالی که در تاریخ زنان قابل استناد است.

در سال ۱۹۹۴ همزمان با اشغال بلتان و کورگیدور از طرف ژاپنی‌ها، بیش از ۱۰۰ پرستار نظامی دستگیر شدند. هفتاد و هفت پرستار ارتشی و دریایی برای حدود سی و هفت ماه در اردوگاه‌های ژاپنی زندانی شدند. اما در کنار این مشکلات، این زنان نیز به دلیل فعالیت‌هایشان در میان عموم شهرت پیدا کردند. بیش از ۶۰۰ پرستار نظامی و ۵۶۵ عضو WACS مشهور شدند، بسیاری از این زنان فداکاری‌های بسیاری کردند. در واقع بیش از ۲۰۰ پرستار نظامی جان خود را در طول جنگ از دست دادند. ۱۷ نفر آنها در قبرستان‌های آمریکایی در کشورهای خارجی به خاک سپرده شدند. با وجود این که این زنان این قدر فداکار بودند، اما به اندازه مردان از آنها تقدیر و تشکر به عمل نیامد. زمانی که رئیس جمهور ترومن قانون انسجام خدمات نظامی زنان را در ۱۹۴۸ امضا کرد، این نگرش تغییر پیدا کرد. از زمان جنگ جهانی اول، نقش زنان در نیروهای نظامی بسیار افزایش یافته است. امروزه زنان ۱۲٪ نیروهای نظامی را تشکیل می‌دهند و تقریباً در همه جنبه‌ها به کارگیری می‌شوند و تمام این موارد از زمان جنگ جهانی اول حدود ۸۳ سال پیش آغاز شده است.

چگونه زنان در نیروهای نظامی با استرس برخورد می‌کنند؟

بر اساس نظرسنجی دانشگاه میشیگان از ۱۱۱۴ زن نظامی در جنگ عراق، حدود ۲۰٪ از این زنان حداقل یکی از عوارض اصلی ناشی از پدیده PTSD (یک بیماری روانی ناشی از تجربه ای تلخ مانند سقوط یک هواپیما) را تجربه کرده‌اند. این محققان همچنین عمومیت پدیده FWC (کشمکش بین شغل و زندگی) را ارزیابی کرده و تأثیر این امر بر سلامت روان و عملکرد شغلی را تحلیل کرده‌اند.^۱

پنی پیرس، سرهنگ نیروهای ذخیره نیروی هوایی، که خود در نشست سالیانه مؤسسه روانشناسی آمریکا یافته‌هایش را ارائه کرده بود گفت «ما متوجه شدیم که WFC به عنوان یک نشانه مهم و مستقل از پدیده PTSD، فراتر از در معرض جنگ بودن است و این قضیه ما را بسیار شگفت‌زده کرد.» ایشان همچنین گفت «این یافته‌ها از لحاظ اینکه می‌تواند به کاهش استرس ناشی از WFC و تأثیرمخرب آن بر زنان نظامی کمک کند بسیار مهم می‌باشند.»

این نظرسنجی که در مؤسسه تحقیقات اجتماعی (ISR)V-M با حمایت مالی بخش دفاعی از طریق برنامه تحقیقاتی Tri service انجام گرفت، به عنوان بخشی از یک مطالعه ناتمام تحت نظر Pierce (استادیار دانشگاه پرستاری و دانشکده ISR) و همچنین استاد بخش تحقیقات Amiram Vinokar ISOR صورت گرفته است.

آقای پیرس گفته‌اند: «پس از جنگ خلیج فارس، نقش زنان در درگیری‌های جنگی از جمله بحث‌های داغ بوده است. این مطالعه آخرین تلاش برای بررسی تأثیر عوامل استرس‌زا در زمان به‌کارگیری افراد از جمله جدایی از خانواده و حضور زنان در نیروهای نظامی که در حال حاضر حدود ۳۰٪ نیروهای نظامی ملت ما را تشکیل می‌دهند، است.»

قریب به نیمی از زنانی که از آن‌ها نظرسنجی به عمل آمده است، گفته‌اند مسئله زندگی و خانواده به ندرت یا اصلاً باعث اختلال در انجام وظایف نشده و به راحتی توانسته‌اند برای انجام فعالیت‌های خود وقت بگذارند. اما محققان دریافته‌اند، زنانی که از پدیده FWC در سطح بالاتری برخوردار بوده‌اند، احتمال اینکه خود دارای اضطراب و افسردگی باشند زیاد است. این زنان همچنین در انجام دادن وظایف و مسئولیت‌های روزانه خود کمتر احساس رضایت داشته‌اند.

آقای پیرس گفته‌اند: «ما نمی‌توانیم امیدی به از بین بردن استرس جنگ و درگیری داشته باشیم، اما می‌توان استرس‌های ناشی از پدیده FWC را از بین برد یا حداقل کم کرد.»

می‌توان در جهت کاهش اضطراب و افسردگی زنان نظامی که نگران اوضاع خانه و خانواده خود هستند، اقداماتی انجام داد. امیدواریم در آینده نزدیک بتوانیم حوزه‌هایی را شناسایی کنیم که از طریق آنها می‌توان منبع این استرس را کاهش داد.

ایشان اضافه کردند ما در حال حاضر مشغول انجام بررسی‌هایی هستیم که می‌توان از طریق آن سطح استرس زنان جنگ را در مورد مردان و بحث کشمکش کار و خانواده را به دست آورد و همچنین ارتباط آن را با سلامت روانی و توانایی انجام دادن وظایف در افراد تشخیص داد.

در یک بررسی مشابه از طرف مؤسسه V-M در مورد زنان درگیر در جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، پیرس و وینکور متوجه شدند که میزان پدیده FWC در میان زنان سرباز بسیار بیشتر از موارد مشابه به دست آمده، در حال حاضر است.

در نظرسنجی‌های اخیر که کنوانسیون APA آن انجام داده، پیرس و همکارش لیا لیواندوسکی اعلام کردند، ۵۱٪ از این زنان تمایل شدیدی برای ادامه خدمت در نیروی هوایی نشان داده‌اند و حدود ۱۸٪ آنها برای ثبت‌نام مجدد، اعلام آمادگی کرده‌اند.

بر اساس گفته‌های لیواندوسکی نگرش‌های مشهود زنان و نظریه‌های آنها در مورد نیروهای نظامی نشان دهنده تمایل بارز آنها برای ثبت‌نام مجدد است.

آقای پیرس گفته است، علی‌رغم استرس خدمت، آن هم به مدت طولانی و در جایی که امکان به کارگیری افراد در شغل‌های مختلف وجود داشته باشد، نسبت بالایی از افراد علاقه‌مند به ادامه کار، تعهد خود را در انجام داوطلبانه وظایف اعلام کرده‌اند.

REFERENCES:

- 1-<http://seattle-i.nwsourc.com/awards/witnesstowar/witness1.html>. WWW I left its enduring mark. <http://seattle-i.nwsourc.com/awards/witnesstowar/guide.html>.
- 2- Background on Women in world war I. <http://seattle-i.nwsourc.com/awards/witnesstowar/womentwar.html>. Women were

- vital to military success in war. <http://www.wasp-wwii.org/wasp/stats.htm>.
 WASP Entrance Requirements.
[http://www.usmc.mil/history.nsf/54d6a3... 59c642? OpenDocument & ExpandSection=13,11](http://www.usmc.mil/history.nsf/54d6a3...59c642?OpenDocument&ExpandSection=13,11). World War II. <http://stg.brown.edu/projects/WWII>
 - Women/ Philippines .html .A
 3- U-M Institute for Social Research: www.isr.umich.edu
 4- Women Veterans Project: <http://sitemaker.umich.edu/afwomen>
 5- U-M School of Nursing: <http://www.nursing.umich.edu/>